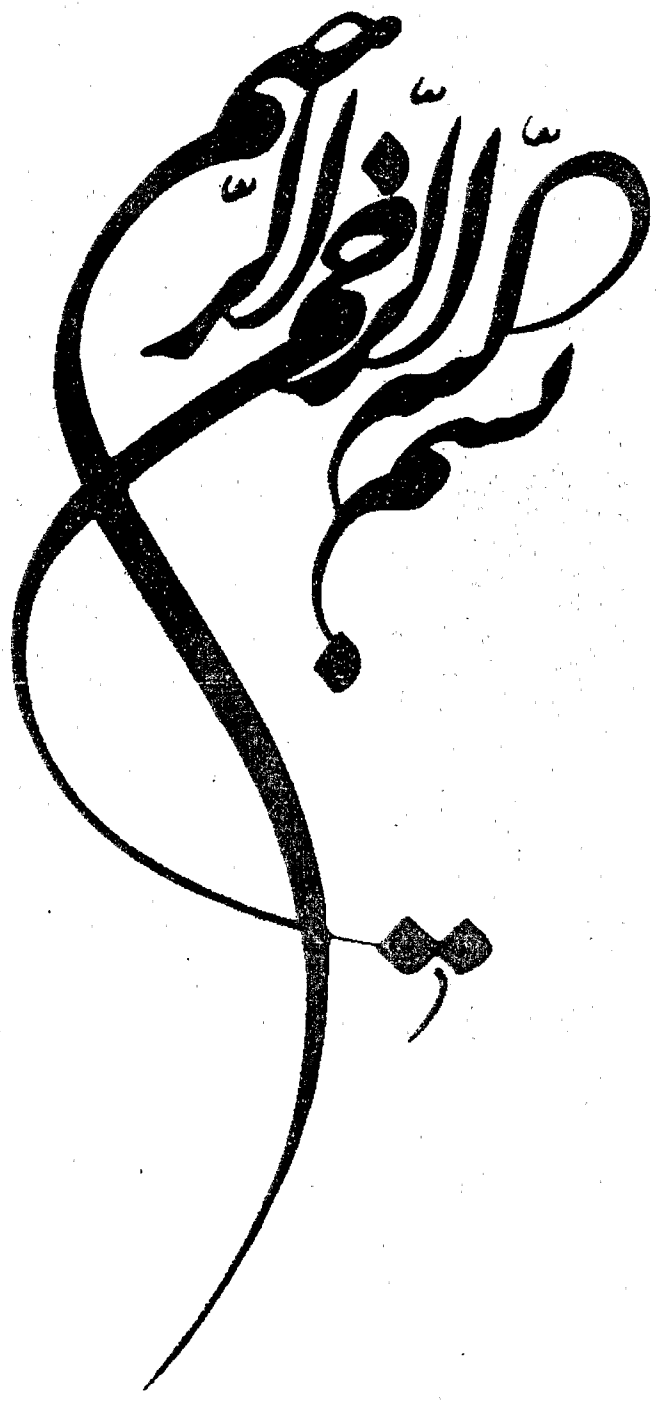


10140A 11F



11K 0030

دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه:

برای اخذ درجه دکتری جامعه شناسی سیاسی

عنوان رساله:

بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران

(۱۳۸۲-۱۳۰۴)

استاد راهنما: آقای دکتر محمد عبداللهی

اساتید مشاور: آقای دکتر هادی خانیکی

آقای دکتر محمد ابراهیم موحدی

پژوهش و نگارش: فیروز راد

۱۱ / ۳ / ۱۳۸۸

شهریور ۱۳۸۷

کتابخانه وزارت علوم  
پستدک

۱۱۴۰۰۳

## چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش هاست که اولاً، توسعه سیاسی در مفهوم توسعه مشارکت و رقابت سیاسی، در دوره پس از انقلاب مشروطه، چه روندی را در ایران طی کرده است و چه فراز و فرودی را پشت سر گذاشته است؟ و ثانیاً، در این مدت نسبتاً طولانی، توسعه سیاسی در کشور با چه موانع و چالش های جدی مواجه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش ها، که در حوزه جامعه شناسی سیاسی مطرح است، از نظریه های چاندوک، مور، هانتینگتون، اسکاچپول و لوسیانی در باب ضعف جامعه مدنی و حاکمیت دولت تحصیلدار- به عنوان موانع و چالش های جدی توسعه سیاسی- بهره گرفتیم و نهایتاً این فرضیه مطرح گردید که هرچه تمرکز و اتکاء انحصاری حکومت بر درآمد نفت، بیشتر و بنیه جامعه مدنی، ضعیفتر باشد، احتمال تحقق توسعه سیاسی در جامعه، کمتر می شود.

بررسی و آزمون این فرضیه به کمک اسناد و مدارک معتبر تاریخی و شواهد و قراین آماری دقیق، نشان داد در هر دوره ای که دولت، خصلت تحصیلدار پیدا کرده و مستقل و بی نیاز از مالیات مردم گشته و از تمرکز قدرت برخوردار شده، همواره عرصه را برای فعالیت جامعه مدنی تنگ تر کرده و نتیجتاً، مانع استقرار توسعه سیاسی شده است. برعکس، هرگاه قدری از خصلت و ظرفیت تحصیلداری دولت کاسته شده و یا دولت، ضعیف و دچار بحران مالی گردیده، به سمت مالیات ستانی از مردم گرایش یافته و نتیجتاً، فرصت مغتنمی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی و توسعه سیاسی در کشور فراهم شده است.

تلقی از پدیده توسعه و توسعه سیاسی به عنوان واقعیاتی تاریخی که ریشه در تحولات و دگرگونی های اجتماعی بلند مدت دارد، خواه ناخواه روش تحقیق حاضر را به سوی تحقیق تاریخی سوق داده است؛ زیرا فرض بر این است که توسعه سیاسی هر جامعه، تاریخ خاص خود را دارد. بنابراین، ما نیز در چارچوب این روش، شش دوره مشخص تاریخی را طی فاصله زمانی (۸۲-۱۳۰۴) - که در آن ادوار، کشور متناوباً دچار قبض و بسط سیاسی بوده- مورد مطالعه و بررسی علمی قرار داده ایم.

\*\*\*

## پیشگفتار

مقولاتی همچون توسعه سیاسی، دموکراسی و آزادی از جمله مقولاتی هستند که در گذشته نه چندان دور، جزو عناصر اصلی آرمانهای بشری تلقی می شده و در ردیف مهمترین مطالبات جنبش های سیاسی و مدنی، توسط فعالان و کنشگران سیاسی مورد پیگیری جدی قرار می گرفته است.

نگاهی که در گذشته معطوف به این قبیل امور و پدیده ها بوده، عمدتاً نگاه ایدئولوژیک و مسلکی بوده و کمتر با رویکرد علمی به این مقولات توجه و امعان نظر می شده است؛ علی الخصوص در جامعه سنتی - عاطفی ما، مدت های مدید، ابرهای متلاطم ایدئولوژی و آرمانگرایی نه فقط بر روی دموکراسی و توسعه سیاسی، بلکه بر روی خیلی از پدیده های سیاسی و اجتماعی دیگر نیز سایه گستر بوده است.

اما امروزه در سطح جهان، این ابرها از سپهر تحقیق و پژوهش، متدرجاً در حال عقب نشینی است و همه امور و وقایع اجتماعی در پرتو آفتاب علم مورد مذاقه و بررسی قرار می گیرند.

بالطبع در این مدت طولانی، نور این آفتاب بر سرزمین ما نیز تابیده است و در این دیار نیز کم کم نگاه علمی جایگزین نگاه ایدئولوژیک گردیده و مدتی است بزرگان و دانشوران ما نیز همچون فرزندان مغرب زمین، به مشرب و روش علمی خو گرفته اند و می کوشند به دور از جانبداریهای مسلکی و حُب و بغض های ایدئولوژیک، امور و پدیده های سیاسی را به صورت علمی و روشمند مطالعه نمایند. حاصل و ثمره این تلاش ها، آثار و مقالات مفید و ارزشمندی که در جای جای میهن به زیور طبع آراسته شده و در اختیار علاقمندان و پژوهندگان داخلی و خارجی قرار گرفته است و به این ترتیب، بستری پر بار از پیشینه نظری و تجربی برای پژوهش های آتی فراهم آورده است.

در این میان، ما نیز از این بخت بلند و توفیق عظیم برخوردار بودیم که بر سر سفره دانش پیشینیان بنشینیم و از خوان گسترده آنان برای راه حق جوئی و حق پژوهی توشه ای برداریم. این توشه و زاد راه، چنان قوه و قدرتی در ما به وجود آورده که جرأت یافتیم به

سراغ سنگین ترین و پیچیده ترین موضوع سیاسی - اجتماعی (یعنی توسعه سیاسی ایران) برویم و آن را از منظر دانش جامعه شناسی سیاسی مورد مطالعه و واکاوی قرار دهیم. بدیهی است توان علمی دانشجوی تُنک مایه ای چون حقیر، به مراتب ناچیزتر از آن است که بتوانم از عهده چنین وظیفه بزرگ و کار سترگ، به تنهایی برآیم. همراهی و راهنمایی استادان عزیز چون دکتر محمد عبداللهی، دکتر مسعود چلبی، دکتر هادی خانیکی و دکتر محمد ابراهیم موحدی، سختیها و دشواریهای این راه ناهموار و پرسنگلاخ را بر من آسان گردانید. جا دارد در همین جا مراتب اخلاص و ارادت قلبی خود را در پیشگاه تک تک این بزرگان، ابراز نموده و سپاسگزار زحمات بی دریغشان باشم.

همینطور شایسته است قدردان تلاش های خالصانه و زحمات شبانه روزی کلیه اساتید، کارکنان و هیئت رئیسه محترم دانشکده علوم اجتماعی نیز باشم و برای تک تک آنان آرزوی بهروزی و شادکامی نمایم. و بالاخره در خاتمه، سپاس و امتنان ویژه خود را نثار همسر مهربانم بکنم که در تمامی مراحل کار، صبورانه یار و مددکارم بودند و از هرگونه مساعدت و همراهی در این مسیر علمی، دریغ ننموده اند.

امید است حاصل این تلاش ها و زحمات که در مجموعه حاضر به بار نشست و در معرض داوری و ارزیابی -خواننده گرامی قرار گرفته است، در پیشگاه اصحاب معرفت و اصناف فرهنگ مقبول افتد انشاءالله.

و ما توفیقی الا بالله

فیروز راد

شهریور ۱۳۸۷

# فهرست مطالب

## فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ..... ۱
- ۱-۲- طرح مسئله ..... ۴
- ۱-۳- ضرورت و اهمیت موضوع ..... ۱۰
- ۱-۴- اهداف تحقیق ..... ۱۳

## فصل دوم: مباحث نظری

- بخش اول: مروری بر ادبیات توسعه سیاسی (۱): بررسی دیدگاههای نظری ..... ۱۴
- بخش دوم: مروری بر ادبیات توسعه سیاسی (۲): بررسی مطالعات تجربی ..... ۲۴
- ۲-۲-۱- کندی تکامل نظام فئودالی ایران و امپریالیسم ..... ۲۴
- ۲-۲-۲- شیوه تولید آسیایی، نظام ملوک الطوائفی، ساخت سیاسی پاتریمونال و شرایط نیمه استعماری (دیدگاه تلفیقی) ..... ۲۶
- ۲-۲-۳- استبداد و تمرکز منابع قدرت ..... ۲۸
- ۲-۲-۴- شیوه‌های تولید، فرهنگ سیاسی و نظام جهانی ..... ۳۱
- ۲-۲-۵- جامعه مدنی، دولت و نوسازی ناموزون ..... ۳۷
- ۲-۲-۶- دربار، دولت و کشمکش نخبگان ..... ۴۱
- ۲-۲-۷- نقد و ارزیابی دیدگاهها ..... ۴۳
- بخش سوم: چارچوب نظری (مفهومی) ..... ۴۶
- ۲-۳-۱- ترکیب و آرایش نیروهای اجتماعی (جامعه مدنی) ..... ۴۶
- ۲-۳-۲- تمرکز و اتکاء انحصاری دولت بر منبع نفت (دولت تحصیلدار) ..... ۵۳
- ۲-۳-۳- فرضیه‌های تحقیق ..... ۶۱

## فصل سوم: روش شناسی

- ۳-۱- تعریف متغیرهای مستقل و وابسته ..... ۶۲
- ۳-۱-۱- توسعه سیاسی ..... ۶۲
- ۳-۱-۱-۱- مشارکت سیاسی ..... ۶۶

- ۶۷.....۳-۱-۱-۲-۱-۲ رقابت سیاسی
- ۶۹.....۳-۱-۱-۳-۱-۳ تیپ ایده آل توسعه سیاسی
- ۷۱.....۳-۱-۲-۱-۲ ضعف جامعه مدنی
- ۷۴.....۳-۱-۳-۱-۳ تمرکز و اتکاء انحصاری دولت بر منبع نفت (دولت تحصیلدار)
- ۷۵.....۳-۲-۱-۲-۱-۲ زمان مقایسه
- ۷۵.....۳-۳-۱-۲-۱-۲ واحد تحلیل
- ۷۶.....۳-۴-۱-۲-۱-۲ نوع تحقیق
- ۷۷.....۳-۵-۱-۲-۱-۲ نوع داده‌ها و روش گردآوری
- ۷۸.....۳-۶-۱-۲-۱-۲ آزمون فرضیه‌ها

## فصل چهارم: توصیف و بررسی داده های تاریخی

### (سیر تحول توسعه سیاسی در ایران)

- بخش اول: توسعه سیاسی در دوره پهلوی اول.....۸۳
- ۸۷.....۴-۱-۱-۱-۱ ماهیت و سازوکار انتخابات در دوره ۲۰-۱۳۰۴
- ۹۲.....۴-۱-۲-۱-۲ ماهیت و جایگاه مجلس در دوره ۲۰-۱۳۰۴
- ۹۹.....۴-۱-۳-۱-۳ احزاب سیاسی در دوره ۲۰-۱۳۰۴
- ۱۰۵.....۴-۱-۴-۱-۴ نتیجه گیری
- بخش دوم: توسعه سیاسی در دوره پهلوی دوم.....۱۰۸
- ۱۰۸.....۴-۲-۱-۱-۲ توسعه سیاسی در دوره ۱۳۲۲-۱۳۲۰
- ۱۰۸.....۴-۲-۱-۱-۱ ماهیت و سازوکار انتخابات در دوره ۳۲-۱۳۲۰
- ۱۱۵.....۴-۲-۱-۲-۱ ماهیت و جایگاه مجلس در دوره ۳۲-۱۳۲۰
- ۱۲۰.....۴-۲-۱-۳-۱ احزاب سیاسی در دوره ۳۲-۱۳۲۰
- ۱۲۷.....۴-۲-۲-۱-۲ توسعه نیافتگی سیاسی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۳۲
- ۱۲۸.....۴-۲-۲-۱-۱ ماهیت انتخابات و مجلس در دوره ۵۷-۱۳۳۲
- ۱۳۶.....۴-۲-۲-۲-۲ احزاب سیاسی در دوره ۵۷-۱۳۳۲
- ۱۴۳.....۴-۲-۳-۱-۲ نتیجه گیری
- بخش سوم: توسعه سیاسی در دوره جمهوری اسلامی.....۱۵۰

- ۱۵۰..... ۱-۳-۴- توسعه سیاسی در دوره ۱۳۶۰-۱۳۵۷.....
- ۱۵۰..... ۱-۳-۴- انتخابات، مجلس و ریاست جمهوری در دوره ۶۰-۱۳۵۷.....
- ۱۵۷..... ۲-۳-۴- احزاب سیاسی در دوره ۶۰-۱۳۵۷.....
- ۱۶۵..... ۲-۳-۴- توسعه نیافتگی سیاسی در دوره ۱۳۷۶-۱۳۶۰.....
- ۱۶۶..... ۱-۳-۴- انتخابات، مجلس و ریاست جمهوری در دوره ۷۶-۱۳۶۰.....
- ۱۷۷..... ۲-۳-۴- احزاب سیاسی در دوره ۷۶-۱۳۶۰.....
- ۱۸۱..... ۳-۳-۴- توسعه سیاسی در دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۶.....
- ۱۸۱..... ۱-۳-۴- انتخابات، مجلس و ریاست جمهوری در دوره ۸۲-۱۳۷۶.....
- ۱۸۹..... ۲-۳-۴- احزاب سیاسی در دوره ۸۲-۱۳۷۶.....
- ۱۹۱..... ۴-۳-۴- نتیجه گیری.....

## فصل پنجم: تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیات

### (موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران)

- بخش اول: ضعف و فتور جامعه مدنی..... ۱۹۹.....
- ۱-۱-۵- قلمرو امر اجتماعی و امر سیاسی..... ۱۹۹.....
- ۲-۱-۵- جامعه مدنی و مشارکت اجتماعی..... ۲۰۱.....
- ۳-۱-۵- جامعه مدنی در ایران..... ۲۰۵.....
- ۱-۳-۵- افول جامعه مدنی در دوره ۲۰-۱۳۰۴..... ۲۰۸.....
- ۲-۳-۵- رشد جامعه مدنی در دوره ۳۲-۱۳۲۰..... ۲۱۲.....
- ۳-۳-۵- افول جامعه مدنی در دوره ۵۷-۱۳۳۲..... ۲۱۷.....
- ۴-۳-۵- رشد جامعه مدنی در دوره ۶۰-۱۳۵۷..... ۲۲۴.....
- ۵-۳-۵- افول جامعه مدنی در دوره ۷۶-۱۳۶۰..... ۲۳۰.....
- ۶-۳-۵- رشد جامعه مدنی در دوره ۸۲-۱۳۷۶..... ۲۳۹.....
- ۴-۱-۵- نتیجه گیری..... ۲۵۱.....
- بخش دوم: تمرکز و اتکاء انحصاری دولت بر منبع نفت (دولت تحصیلدار)..... ۲۶۰.....
- ۱-۲-۵- مقدمه..... ۲۶۰.....
- ۲-۲-۵- نفت و تمرکز قدرت دولت در دوره ۳۲-۱۳۰۴..... ۲۶۲.....



۲۷۲.....	۱۳۲۰-۳۲ دوره دولت و نفت و ۵-۲-۳
۲۸۰.....	۱۳۳۲-۵۷ دوره قدرت دولت و نفت و ۵-۲-۴
۲۹۱.....	۱۳۵۷-۶۰ دوره دولت و نفت و ۵-۲-۵
۲۹۸.....	۱۳۶۰-۷۶ دوره قدرت دولت و نفت و ۵-۲-۶
۳۰۸.....	۱۳۷۶-۸۲ دوره دولت و نفت و ۵-۲-۷
۳۱۵.....	نتیجه گیری ۵-۲-۸

### فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری نهایی ۳۲۳

۳۳۹.....	فهرست منابع
----------	-------------

\*\*\*

## فهرست جداول

- مدل (۱-۳-۲): عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی سیاسی ایران ..... ۶۱
- جدول (۱-۳): تفاسیر اصلی از توسعه سیاسی از نظر جاگواریب ..... ۶۵
- جدول (۲-۳): ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های متغیر جامعه مدنی ..... ۷۴
- جدول (۱-۳-۴): نتایج انتخابات دوره اول ریاست جمهوری ایران ..... ۱۵۳
- جدول (۲-۳-۴): مهمترین گروه های تشکیل دهنده بلوک های سیاسی  
چهارگانه اوایل پیروزی انقلاب ..... ۱۵۹
- جدول (۳-۳-۴): نتایج انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۶۷
- جدول (۴-۳-۴): نتایج انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۶۷
- جدول (۵-۳-۴): نتایج انتخابات دوره چهارم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۶۹
- جدول (۶-۳-۴): نتایج انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۷۲
- جدول (۷-۳-۴): نتایج انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۷۴
- جدول (۸-۳-۴): نتایج انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۸۳
- جدول (۹-۳-۴): نتایج انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری ایران ..... ۱۸۷
- جدول (۱-۱-۵): سازمان های غیردولتی فعال در دوره ۲۰-۱۳۰۴ ..... ۲۱۰
- جدول (۲-۱-۵): سازمان های غیردولتی فعال در دوره ۳۲-۱۳۲۰ ..... ۲۱۵
- جدول (۳-۱-۵): سازمان های غیردولتی فعال در دوره ۵۷-۱۳۳۲ ..... ۲۲۰
- جدول (۴-۱-۵): سازمان های غیردولتی فعال در دوره ۶۰-۱۳۵۷ ..... ۲۲۸
- جدول (۵-۱-۵): سازمان های غیردولتی فعال در دوره ۷۶-۱۳۶۰ ..... ۲۳۶
- جدول (۶-۱-۵): تعداد سازمان های غیردولتی و شعبه های آنها  
برحسب استان: ۱۳۸۳ ..... ۲۴۵
- جدول (۷-۱-۵): فراوانی سازمان های غیردولتی برحسب سازمانهای  
مجوز دهنده: ۱۳۸۳ ..... ۲۴۶
- جدول (۸-۱-۵): تعداد سازمان های غیردولتی و شعبه های آنها برحسب موضوع  
فعالیت عمده: ۱۳۸۳ ..... ۲۴۷
- جدول (۹-۱-۵): تعداد سازمان های غیردولتی و شعبه های آنها برحسب وضعیت

- مکان: ۱۳۸۳..... ۲۴۷
- جدول (۵-۱-۱۰): فراوانی سازمان های غیردولتی و شعبه های آنها برحسب دارا بودن  
امکانات و تجهیزات عمومی: ۱۳۸۳..... ۲۴۷
- جدول (۵-۱-۱۱): تعداد نیروی انسانی فعال سازمان های غیردولتی برحسب وضعیت  
دریافت مزد، نوع همکاری و جنس: ۱۳۸۳..... ۲۴۸
- جدول (۵-۱-۱۲): تعداد نیروی انسانی سازمان های غیردولتی برحسب سطح  
تحصیلات: ۱۳۸۳..... ۲۴۸
- جدول (۵-۱-۱۳): تعداد اعضای اصلی و اعضای پرداخت کننده حق عضویت در  
سازمانهای غیردولتی برحسب جنس: ۱۳۸۳..... ۲۴۸
- جدول (۵-۱-۱۴): تعداد سازمان های غیردولتی و شعبه های آنها برحسب محدوده  
جغرافیای فعالیت: ۱۳۸۳..... ۲۴۹
- جدول (۵-۱-۱۵): تعداد سازمان های غیردولتی و شعبه های آنها برحسب منبع عمده  
تأمین هزینه های جاری: ۱۳۸۳..... ۲۴۹
- جدول (۵-۱-۱۶): تعداد سازمان های غیردولتی برحسب استفاده کنندگان از خدمات  
سازمان: ۱۳۸۳..... ۲۴۹
- جدول (۵-۱-۱۷): تعداد عنوان کتب و نشریات منتشر شده در سازمانهای غیردولتی و  
شعبه های آنها برحسب نوع آنها: ۱۳۸۳..... ۲۵۰
- جدول (۵-۱-۱۸): تعداد نشریات منتشر شده در سازمانهای غیردولتی و شعبه های آنها  
برحسب گستره انتشار: ۱۳۸۳..... ۲۵۰
- جدول (۵-۲-۱): میزان تولید نفت، منافع شرکت های نفتی و حق الامتیاز ایران بین  
سالهای ۲۰-۱۹۱۲..... ۲۶۶
- جدول (۵-۲-۲): میزان درآمد دولت ایران از محل امتیازات نفتی در دوره رضاشاه..... ۲۷۰
- جدول (۵-۲-۳): میزان درآمد نفتی ایران (۳۲-۱۳۲۰)..... ۲۷۸
- جدول (۵-۲-۴): میزان درآمد ایران از نفت و صادرات غیرنفتی (۲۹-۱۳۲۵)..... ۲۷۸
- جدول (۵-۲-۵): منابع اصلی درآمدهای دولت ایران بین سال های ۶۵-۱۹۵۴..... ۲۸۴
- جدول (۵-۲-۶): درآمد نفتی ایران طی سال های ۵۷-۱۳۳۲..... ۲۸۶
- جدول (۵-۲-۷): میزان اشتغال کارکنان در صنعت نفت ایران در فاصله سال های

۲۸۷.....۱۹۵۸-۷۲

- جدول(۵-۲-۸): سهم نیروی کار بخش های مختلف اقتصاد ایران در فاصله

۲۸۷.....۱۳۴۲-۵۷ سالهای

- جدول(۵-۲-۹): سهم بخش های مختلف در تولید ناخالص داخلی ایران طی سال های

۲۸۸.....۱۳۴۱-۵۷

- جدول(۵-۲-۱۰): درآمدهای دولت ایران در فاصله سال های ۷۸-۱۹۷۱.....۲۸۹

- جدول(۵-۲-۱۱): منابع عمده درآمدهای دولت ایران در فاصله سال های ۷۸-۱۹۵۴...۲۸۹

- جدول(۵-۲-۱۲): درآمد نفت و مقایسه آن با برخی از درآمدها و دریافت ها در دوره

۲۹۷.....۱۳۵۷-۶۰

- جدول(۵-۲-۱۳): اهمیت سهم سه بخش اصلی منبع درآمد دولت در سال های ۶۵

۲۹۷.....۱۳۵۷-

- جدول(۵-۲-۱۴): میزان استخراج نفت ایران در فاصله سال های ۷۳-۱۳۶۰.....۳۰۵

- جدول(۵-۲-۱۵): میزان صادرات نفت خام ایران در فاصله سال های ۷۳-۱۳۶۰.....۳۰۶

- جدول(۵-۲-۱۶): میزان درآمد نفت صادراتی ایران در فاصله سال های ۷۳

۳۰۶.....۱۳۶۰-

- جدول(۵-۲-۱۷): مقایسه درآمد نفت با برخی درآمدها و دریافت ها طی سالهای

۳۰۷.....۱۳۶۰-۷۳

- جدول(۵-۲-۱۸): اهمیت سهم سه بخش اصلی منبع تأمین درآمد دولت طی سالهای

۳۰۷.....۱۳۵۵-۷۵

- جدول(۵-۲-۱۹): ظرفیت تولید نفت خام ایران در فاصله سال های ۸۲-۱۳۶۵.....۳۱۴

- جدول(۵-۲-۲۰): میزان صادرات نفت خام و فراورده های نفتی ایران در فاصله سالهای

۳۱۴.....۱۳۶۵-۸۲

- جدول(۵-۲-۲۱): میزان درآمدهای نفتی و مالیاتی دولت در فاصله سالهای ۸۲-۱۳۷۶.. ۳۱۴

\*\*\*

## فصل اول : کلیات

## فصل اول: کلیات

### ۱-۱- مقدمه

در چند دهه اخیر، پدیده توسعه و توسعه‌نیافتگی، توجه عده زیادی از اندیشمندان و متفکران را به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری پژوهندگان علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار گرفته است. این بحث، بویژه برای اندیشمندان جهان سوم از اولویت و اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چرا که در این کشورها، مقوله توسعه و توسعه‌نیافتگی، چالش اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و همه فرآیندها، وقایع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود، خواه ناخواه، تحت تأثیر آن قرار دارند.

بالتبع کشور ما ایران نیز به عنوان یک کشور جهان سوم از این قاعده مستثنی نیست و در اینجا نیز همچون سایر کشورهای جنوب، بحث توسعه، جایگاه ویژه‌ای دارد و دل مشغولی اصلی متفکران و سیاستمداران را تشکیل می‌دهد. در این کشور، مدت مدیدی است توجهات صاحب‌نظران و اصحاب اندیشه به نحوی به سوی پدیده پریپیچ و خم توسعه معطوف گردیده و محققان در حول و حوش آن به بحث و فحص و غور و تفحص مشغولند و حاصل آن، طبع و نشر صدها مقاله و اثری است که هر کدام گوشه‌ای از زوایای پنهان این پدیده غامض و توبرتو را نمایان ساخته و بعدی از ابعاد چندگانه آن را مورد بررسی و واکاوی علمی قرار داده‌اند.

در این میان، ما نیز با بضاعت مزجات، به سهم خود کوشیده‌ایم به تناسب رشته تخصصی خود، بعد سیاسی توسعه را مورد کنکاش و مطالعه قرار دهیم تا رد پای هرچند ناچیز از این قافله علمی در این خاک از خود بر جای بگذاریم. به تعبیر دقیق فردوسی بزرگ:

جهان، یادگار است و ما رفتنی      به گیتی نماند به جز گفتنی

در پژوهش حاضر مشخصاً بحث سنگین توسعه سیاسی ایران را پیش می‌کشیم و می‌خواهیم بدانیم اولاً، توسعه سیاسی در مفهوم توسعه مشارکت و رقابت سیاسی، در دوره پس از انقلاب مشروطه، چه روندی را در ایران طی کرده و چه فراز و فرودی را پشت سر

گذاشته است؟ و ثانیاً، در این مدت نسبتاً طولانی، با چه موانع و چالش‌های جدی مواجه بوده است؟

بدیهی است ماهیت تاریخی موضوع، خود به خود اتخاذ روش تاریخی - تطبیقی را برای تحقیق حاضر ایجاب می‌کند و صدالبته، توسل به چنین روشی در ایران با دشواریها و محدودیت‌های فراوانی همراه است.

در سده اخیر نوشته‌های گوناگونی در زمینه تاریخ سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه منتشر شده است. شماری از این نوشته‌ها دانش ما را ژرفتر کرده و یا دست کم مواد خام و دستمایه‌ای برای تفکر و تأمل بیشتر و روشن کردن زوایای ناپیدای گذشته فراهم آورده است. اما باید گفت اغلب این نوشته‌ها سرشار از مطالبی است که برای خوانندگان، چندان ثمری نداشته است و بلکه موجبات تشدید کلیشه‌های ذهنی، پیشداوری‌های عامیانه و آشفتگی‌های فکری را فراهم نموده است.

سبب اصلی این است که دانش تاریخی و تاریخنگاری در کشور ما پایه و عمق چندانی نیافته است. حکومت‌های پیشین با توسعه دانش تاریخی سرسازگاری نداشتند و نتیجه تبعی آن تضعیف آگاهی تاریخی بود. تحریف تاریخ گذشته، دست کاری در واقعیت‌ها و جابجائی و حتی انکار آنها برای توجیه وضع موجود، به منظور جلوگیری از طرح انبوهی از پرسش‌های اساسی، تحریک پیشداوریها، تسهیل القائات آموزشی و نهایتاً باقی ماندن بر اریکه قدرت، از ویژگی‌های حکومت‌های پیشین ایران بود. فی الواقع حافظه جمعی اغلب ایرانیان از آگاهی تاریخی و یادها و نامها و خاطرات گذشته‌های نه چندان دور تهی گشته بود.

در دوره حکومت‌های پیشین، کوشش در تحریف و واژگون‌سازی واقعیت‌های تاریخی به جایی رسید که نسل جوان در آستانه انقلاب اسلامی، آگاهی اندکی درباره تاریخ اخیر سرزمین خود داشت و به پشتوانه آن نمی‌توانست شور و عواطف خود را با شعور و بصیرت درآمیزد و از گذشته چراغی برای راه آینده بسازد.

بسیاری از کسانی که در این سرزمین طی سالهای اخیر پیرامون موضوعات تاریخی قلم زده‌اند، نتوانسته‌اند نیاز مبرم نسل امروز را که بی‌تابانه در جستجوی درک ریشه‌های تاریخی رویدادهای شگرف این سالها بوده‌اند، به نحو شایسته ارضا کنند. هنوز میان تخیل تاریخی و

افسانه‌پردازی و میان بررسی عالمانه وقایع تاریخی و داستان سرایی خیال‌انگیز تفاوت چندانی نیست و شمار آنهایی که با روش تاریخنگاری نوین و اسلوبهای جدید تحلیل تاریخ آشنایی دارند، ناچیز است. شیوه استفاده از منابع تاریخی و چگونگی تحلیل و تفسیر آنها چندان شناخته نیست. وجدان و روحیه علمی، دلبستگی به امانت و صداقت و حس حقیقت‌پژوهی، چندان که باید ریشه ندوانیده است. هنوز کتابهای تاریخی با جلد مزین و عنوان پرطمطراق، «زیت‌المجالس» اند و انیس «اهل تفنن». در این میان، بی‌گمان ارزش کتابهای تحقیقی جدی و جایگاه رفیع پژوهندگان ارجمند و کارآزموده، نزد اهل فرهنگ، دانسته و ستوده است.

در کشور ما دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ از منزلت اجتماعی چندان و آینده‌شغلی امیدبخش بهره‌مند نبوده‌اند و استعدادهای درخشان اغلب جلب رشته‌های دیگر می‌شده است. بسیاری از کسانی که قلم پژوهش به دست گرفته و خود را در عداد پژوهشگران تاریخ پنداشته‌اند، هویت تحصیلی مشخص در این زمینه نداشته و از مبانی روش‌شناختی و نظری پژوهش تاریخی، کمتر مطلع بوده‌اند و به تعبیر یکی از محققان ایرانی «آنان وظیفه خود را چیزی جز پیگیری ردپای «جیره‌خواران»، «سرسپردگان»، «بیگانگان» و جستجوی «توطئه و خیانت» ندانسته‌اند و هدف بیشتر آنان «افشاگری» بوده است و تعیین ننگ و نام و اینکه چه چیزهایی را باید به «زیاله‌دان» تاریخ افکند و چه اموری باید مایه «عبرت» دیگران گردد.» (عظیمی، ۱۳۷۲: ۲)

در چنین آشفته‌بازاری، ورود دانشجوی تنک‌مایه‌ای چون حقیر به عرصه پژوهش تاریخی، صدالبته دشوار و مخاطره‌آمیز است؛ آن هم پژوهش در جامعه‌ای که در آن دانش تاریخی به عنوان دستمایه شناخت تحلیلی و انتقادی از مبانی فرهنگ و جامعه و ادراک آگاهانه کامیابی‌ها و ناکامی‌های یک ملت و از لوازم ضروری تعمیق هویت و خودآگاهی ملی، فرهنگی و اجتماعی ریشه ندوانیده است و بینش تاریخی و بررسی عالمانه و بی‌غرضانه وقایع و رخدادها در متن کلیت تاریخی و زمینه اجتماعی آنها و کوشش در ادراک حقایق سیر تاریخ در فراسوی قلمرو تنگ زندگی رجال و نخبگان چندان که باید مایه نگرفته است. بسیاری از منابع و مأخذ از دسترس محققان به دور است و موسسات و نهادهایی که پژوهش‌های مستقل تاریخی را پشتیبانی کنند، پدید نیامده است.



در چنین شرایطی جامعه ما نیازمند پژوهشگران آزموده و حرفه‌ای است که بر کنار از ملاحظات غیرعلمی به بررسی جزئیات رخدادهای گذشته همت گمارند تا به مدد یافته‌های آنان و با تلفیق آگاهی‌ها و بصیرتهایی که فراهم می‌کنند، امکان شناخت و سنجش و قضاوت درباره چند و چون گذشته دور و نزدیک فراهم آید.

کوشش نگارنده در بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران، آن هم در دوره‌ای حساس از تاریخ مردم این سرزمین، کوششی مقدماتی است که از تأثیر محدودیت‌هایی که برشمرده شد، برکنار نیست. با این امید که این محدودیت‌ها به تدریج از فضای علمی - پژوهشی کشور برطرف شده و امکانات و زمینه‌های مساعدی برای اجرای پروژه‌های تحقیقی فراهم آید تا محققان آینده بتوانند با خاطری آسوده در حوزه مطالعات تاریخی، اجتماعی و سیاسی، ایفای نقش نموده و وظیفه سترگ خود را در قبال ملک و میهن به شایستگی به انجام رسانند.

در تحقیق حاضر ابتدا طرح دقیقی از مسئله تحقیق را به طور روشن ارائه می‌دهیم و سپس از باب آشنایی با سابقه موضوع، ادبیات نظری و ادبیات تجربی توسعه سیاسی را مرور می‌کنیم و آنگاه طبق روال معمول گزارش علمی، چارچوب نظری و روش‌شناسی تحقیق را عرضه می‌نماییم و سرانجام نوبت به اصلی‌ترین بخش گزارش یعنی طبقه‌بندی داده‌ها، تفسیر یافته‌ها و آزمون فرضیات می‌رسد که آن نیز به عنوان بخش پایانی تحقیق در معرض توجه، نقد و ارزیابی خواننده گرامی قرار می‌گیرد.

امید است با انجام این تحقیق که در پرتو عنایات ایزدی و تحت توجهات و ارشادات عالمانه اساتید گرانقدر به ثمر رسیده، توانسته باشیم خدمتی هرچند ناچیز در امر تحلیل و روشنگری یکی از چالش‌های اساسی ایران امروز به جامعه علمی و افکار عمومی این مرز و بوم به انجام رسانیم و کاری در خور پسند اهل نظر و اصحاب معرفت عرضه نماییم انشاءالله.

## ۲-۱- طرح مسئله

هم‌اکنون بحث دگرگونی و توسعه سیاسی یکی از مهمترین مباحثی است که بسیاری از اندیشمندان و محققان کشورهای جهان، بویژه کشورهای جنوب را در اقصی نقاط عالم به خود مشغول ساخته است.

اینکه آیا علل و عوامل توسعه نیافتگی معطوف به جنبه‌های درونی است یا از میل به تفوق و بهره‌کشی قدرت‌های مسلط جهانی ناشی می‌شود، از جمله سئوالاتی است که توجه اکثر صاحب‌نظران مسائل سیاسی و اقتصادی را به خود جلب کرده است. مهمتر از آن در بحث راهکارها و روش‌های مناسب برای خروج از بن‌بست توسعه نیافتگی این سئوالات رخ می‌نماید که آیا جوامع توسعه یافته قبل از رشد و توسعه سیاسی - اقتصادی فعلی خود از مشخصه‌های یکسانی با جوامع توسعه نیافته کنونی برخوردار بوده‌اند؟ و آیا اساساً تمام روش‌ها و الگوهایی که جوامع توسعه نیافته در مراحل گوناگون سیر تحول تاریخی خود از آنها بهره گرفته و در عمل به کار بسته‌اند، برای جوامع در حال توسعه با ویژگی‌های متفاوت اجتماعی - فرهنگی، قابل اقتباس است؟ اینها مهمترین سئوالات و چالش‌هایی است که در کانون توجه مراکز علمی و تحقیقاتی جهان قرار گرفته و روزانه صدها مقاله و اثر علمی در راستای پاسخگویی تحلیلی به این قبیل سئوالات کلیدی و راهگشا، شکل گرفته و منتشر می‌شود.

با نگاهی دقیق به وضع وخیم اقتصادی بسیاری از کشورهای توسعه نیافته آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و مقایسه آن با رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا، ژاپن و غیره، خود به خود این سئوالات به ذهن خطور می‌کند که آیا ارتباط تنگاتنگی میان این مبحث اقتصادی - اجتماعی با دقایق و ظرایف بحث نوسازی و توسعه سیاسی وجود دارد؟ و آیا برخورداری از مواهب پیشرفت علم و تکنولوژی در جوامع توسعه یافته با فرآیند انحطاط و فروپاشی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع توسعه نیافته همراه بوده است؟ اینکه چه عواملی موجب بروز چنین وضعیتی در عصر حاضر شده، علتها چیست و چه راهکارهایی برای رهایی از این تنگناهای بازدارنده وجود دارد، هم‌اکنون مهمترین دغدغه‌های فکری اندیشمندان و پژوهشگران جهان را تشکیل می‌دهد.

در پاسخ به این قبیل سئوالات و چالش‌های ذهنی، دیدگاه‌های نظری مختلفی در علوم اجتماعی شکل گرفته و آرایش یافته‌اند. یکی از مشهورترین آنها دیدگاه وابستگی است. دیدگاه وابستگی مقوله توسعه را از ابعاد دوگانه مورد ملاحظه قرار می‌دهد. توسعه‌ای که

جنبه درونزا دارد و روند پویایی آن درون جامعه است و توسعه‌ای که حالت برونزا دارد و روند پویایی آن خارج از مرزهای سیاسی جامعه است. «بر این اساس توسعه جوامع به دو دسته تقسیم می‌شود: توسعه (به معنای خاص) که در آن پویایی توسعه درون جامعه است؛ توسعه نیافتگی (توسعه وابسته) که پویایی آن بیرون از مرزهای سیاسی جامعه است. اگر بخواهیم در طول طیفی که توسعه با آن اندازه‌گیری می‌شود، این دو نوع توسعه را متمایز کنیم، توسعه به معنای خاص، مراتب بالای طیف و توسعه نیافتگی مراتب پایین طیف را دربرمی‌گیرد.

اما شکل‌گیری روندی به نام توسعه در هر یک از دو شکل آن، توسعه (به معنای خاص) و توسعه نیافتگی، مستلزم تغییر اجتماعی بلندمدتی است که طی آن نظام تقسیم کار، قشربندی، نظام سیاسی و فرهنگ تغییر می‌کند. بنابراین در تکوین آن عمل عاملین اجتماعی، منافع گروهها، اقشار و طبقات، گرایش آنها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. بر این اساس می‌توان گفت که توسعه و توسعه نیافتگی ماهیتی برآیندی (منتجه)<sup>۱</sup> دارند و تکوین آن در هر جامعه‌ای، تاریخ خاص خود دارد.» (رجب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱-۲)

بی‌گمان یکی از دستاوردهای مهم بشری در جهان کنونی، تحقق پروژه توسعه و توسعه سیاسی در بخشی از کره خاکی است. جهان غرب، سالیان سال است که از این موهبت بزرگ بهره‌مند است و از این بابت، ناز بر فلک و فخر بر ستاره می‌فرشد. لیکن در بخشی دیگر از جهان، متأسفانه چنین نعمتی به چشم نمی‌خورد و به جای توسعه سیاسی با سطوح و درجات گوناگون توسعه نیافتگی و ناستواری سیاسی مواجه هستیم. از آن جمله در ایران، با وجود فعالیت‌ها و تلاش‌های گسترده‌ای که طی سده اخیر توسط جریان‌ها و نیروهای اجتماعی مختلف صورت گرفته، معهداً چنین مطلوبی تاکنون حاصل نشده است و هر بار پس از چند صباحی که متدرجاً آثار و نشانه‌های مقدماتی توسعه سیاسی جوانه می‌زند، بلافاصله باد خزان انحطاط و انسداد سیاسی از راه می‌رسد و همه را به یغما می‌برد و فصل طولانی خزان سیاسی بر کران تا کران این سرزمین حاکم می‌گردد. حال، سؤال این است که چرا وقتی نهال توسعه سیاسی در این کشور جوانه می‌زند، پس از اندک زمانی، رو به زردی و پژمردگی می‌گذارد و از رشد و نمو باز می‌ماند؟ این همان سؤال آغازین و

1. aggregated

مسئله اصلی نگارنده است که مدتهاست فکر و ذکرش را شدیداً به خود مشغول کرده است.

به راستی چرا توسعه سیاسی در ایران به نحو بنیادی به منصف ظهور نمی‌رسد و استمرار نمی‌یابد؟ نگارنده شدیداً علاقمند است به نحو مستوفی در چند و چون قضیه غور و تفحص کند و این معما را تا حد توان بکاود و بشکافد و راز و رمز آن را دریابد.

گو اینکه تاکنون محققانی چند از ایران و خارج به تحلیل و تبیین این مسئله مبادرت ورزیده‌اند، لیکن حاصل تلاش آنها هرگز نگارنده را قانع نمی‌سازد و اساساً، مسئله به مراتب ریشه‌دارتر و جان سخت‌تر از آن است که این مقدار مطالعات و بررسی‌های انجام یافته برای حل و فصل آن کافی و وافی باشد. فلذا می‌طلبد کند و کاوها و واری‌های بیشتر پیرامون آن صورت گیرد تا اندکی از راز و رمز آن مکشوف گردد.

در باب توسعه باید گفت توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. (تودارو<sup>۱</sup>، ۱۳۶۶: ۱۳۵)

از دیدگاه پیتر دونالدسن<sup>۲</sup>، توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کامل هدف‌های جامعه است و در این استحاله مهم اگر توده مردم درگیر باشند، ممکن است میوه رشد فوراً نصیب آنها نشود؛ زیرا که فرآیند توسعه اغلب فرآیند رنج‌آور و دشوار است؛ تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز مطابقت با آن در امر توسعه مشارکت اصیل نداشته باشند، ادامه توسعه ممکن نخواهد بود. (دینی، ۱۳۷۰: ۸۵)

در چشم‌انداز وسیع‌تر توسعه عبارت است از حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن در ورود همه جانبه به مرحله‌ای دیگر از تاریخ؛ به عبارت دیگر توسعه به مفهوم

---

1- Todaro  
1-peter Donaldson